

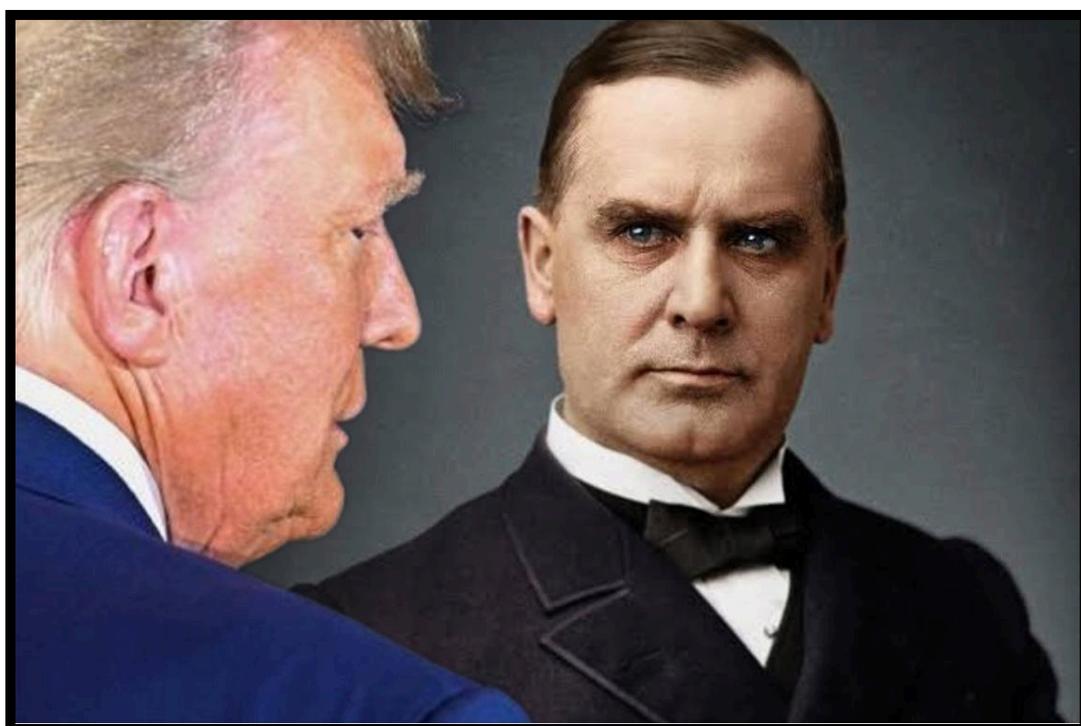
---

# منتشر شده در مجله جنوب جهانی

---

**ترامپ و ارتباطش با ویلیام مک کینلی**

---



**آتلیو آ. بور**

**منتشر شده در المیادین انگلیسی**

**ترجمه مجله جنوب جهانی**

---

ترامپ خطری برای همزیستی بین‌المللی و بازگشتی به وحشیانه‌ترین و بی‌شرم‌ترین مرحله امپریالیسم است.

امپریالیسم وجود دارد و همچنان در همه جا درد و مرگ ایجاد می‌کند، محیط زیست را نابود می‌کند، جنگ‌ها را به راه می‌اندازد و فقر را در همه جا می‌پاشد. دونالد ترامپ با ستایش از چهره ویلیام مک‌کینلی، رئیس‌جمهور ایالات متحده بین ۴ مارس ۱۸۹۷ و ۱۴ سپتامبر ۱۹۰۱، سعی دارد در تاریخ سیاسی ایالات متحده نمونه‌ای مورد توجه برای سیاست‌های جنجالی خود پیدا کند. مک‌کینلی در یک سوءقصد کشته شد، اما ترامپ در ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۴ در پنسیلوانیا به طرز معجزه‌آسایی از همین سرنوشت جان سالم به در برد. اما برخلاف ترامپ، مک‌کینلی مردی از طبقه سیاسی بود. به جز یک دوره کوتاه دو ساله (۱۸۶۹-۱۸۷۱) که به عنوان وکیل فعالیت می‌کرد، تمام عمر خود را در دنیای سیاست گذراند.

مک‌کینلی در سن ۳۳ سالگی به نمایندگی از حزب جمهوری‌خواه به مجلس نمایندگان راه یافت. در سال ۱۸۹۰، او قانونی را پیشنهاد کرد که تعرفه‌های واردات را افزایش می‌داد و موفق به کسب موافقت عموم شد. کمی بعد، او به عنوان فرماندار اوهایو و در سال ۱۸۹۷ به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده انتخاب شد. در دوران ریاست‌جمهوری او، ایالات متحده به یک قدرت جهانی تبدیل شد: او با پرداخت بدهی‌های دولت محلی به مبلغ چهار میلیون دلار، الحاق هاوایی را ممکن کرد و در سال بعد از شکستی که میهن‌پرستان کوبایی به ارتش اسپانیا وارد کردند، استفاده کرد تا در جنگ استقلال کوبا دخالت کند و این جزیره را به همراه پورتوریکو، فیلیپین و گوام تصرف کند. بهانه او "کمک به میهن‌پرستان کوبایی" بود، اگرچه آنها به چنین کمکی نیاز نداشتند. اما برای محروم کردن اسپانیا از قلمروهایش در کارائیب و اقیانوس آرام، واشنگتن مجبور بود وارد این جنگ شود.

از آنجا که کوبایی‌ها از آمریکا درخواست کمک نکرده بودند، لازم بود حادثه‌ای ترتیب داده شود که افکار عمومی آمریکا را خشمگین کند و مداخله ایالات متحده را توجیه کند. حمله خودی ناو جنگی مین (که در خلیج هاوانا لنگر انداخته بود تا شهروندان آمریکایی ساکن کوبا را تخلیه کند) که در ۱۵ فوریه ۱۸۹۸ به طرز مرموزی منفجر شد، باعث شد ایالات متحده وارد جنگی شود که قبلاً توسط کوبایی‌ها برنده شده بود، اما توسط مک‌کینلی از آنها گرفته شد. در دوران ریاست‌جمهوری او، ایالات متحده از یک قدرت منطقه‌ای در آمریکای مرکزی و کارائیب به اولین گام‌ها در جهت ساختن یک امپراتوری جهانی تبدیل شد.

و این مرد، مک‌کینلی، طرفدار جنگ اقتصادی با تعرفه‌هایش؛ اقدامات نظامی مستقیم، مانند مورد جنگ با اسپانیا؛ یا درخواست پول برای خرید جزیره‌ای مانند هاوایی است که بارها توسط ترامپ مورد ستایش قرار گرفته است. او کسی بود که پس از شکست دادن سلطنت اسپانیا در فیلیپین و گوام، به نقشه‌برداران پنتاگون دستور داد این دو جزیره دورافتاده اقیانوس آرام را در نقشه‌های جدید ایالات متحده قرار دهند.

این طرح کوتاه به ما امکان می‌دهد برخی از ابتکارات ترامپ را رمزگشایی و نسبی‌سازی کنیم. برای مثال، تغییر نام خلیج مکزیک و نام‌گذاری مجدد آن به خلیج آمریکا. اعتماد کورکورانه او به تعرفه‌های واردات، پیشینه قابل توجهی در مک‌کینلی دارد، با این تفاوت که این سیاست در یک اقتصاد جهانی به هم پیوسته مانند امروز محکوم به شکستی سنگین است که ترامپ خود هزینه‌گزافی برای آن خواهد پرداخت. به عنوان یک تاجر بی‌وجدان، او معتقد است که همه چیز قیمت دارد، همه چیز را می‌توان خرید یا فروخت. میهن‌پرستی، افتخار یا کرامت برای این تاجر یانکی کلمات بی‌معنایی هستند.

اگر مک‌کینلی هاوایی را خرید، چرا نباید همین کار را با گرینلند انجام داد، به ویژه زمانی که دانمارک و دولت‌های اروپایی در برابر خشم ترامپ بی‌تفاوتی رسوایی‌آمیزی از خود نشان می‌دهند؟ چرا از زور اقتصادی برای تبدیل کانادا به

پنجاه و یکمین ایالت ایالات متحده استفاده نکنیم؟ و اگرچه در حال حاضر دلیلی برای یک حمله خودی وجود ندارد، اما دروغ‌ها، اخبار جعلی و ترس یا بی‌تفاوتی بسیاری از سیاستمداران می‌توانند همان اثر را داشته باشند. اگر جورج دبلیو بوش جهان را متقاعد کرد که "سلاح‌های کشتار جمعی در عراق" وجود دارد، که ظاهراً دروغ بود، چرا دستگاه قدرتمند رسانه‌ای که توسط ایالات متحده در مقیاس جهانی کنترل می‌شود، نتواند نیمی از جهان را با دروغی رسوا مانند "حضور سربازان چینی در کانال پاناما" فریب دهد؟ یا اینکه مدیریت آنها به طور پنهانی توسط حزب کمونیست چین هدایت می‌شود؟ یا افکار عمومی جهان را متقاعد کند که هر کسی که به طور غیرقانونی وارد ایالات متحده می‌شود، یک مجرم است، همان‌طور که دروغگوی سریالی، مارکو روبریو ادعا می‌کند؟

فراتر از این تشابهات، این واقعیت وجود دارد که ترامپ با هیاهو و تناقضاتش خطری برای همزیستی بین‌المللی و بازگشتی به وحشیانه‌ترین و بی‌شرم‌ترین مرحله امپریالیسم است. آن روح‌های ساده‌لوحی که فکر می‌کردند امپریالیسم با جایگزینی جهانی‌سازی خیرخواهانه از بین رفته است، اکنون سر عقل آمدند. امپریالیسم وجود دارد و همچنان در همه جا درد و مرگ ایجاد می‌کند، محیط زیست را نابود می‌کند، جنگ‌ها را به راه می‌اندازد و فقر را در همه جا می‌پاشد. تلاش واهی ترامپ برای احیای تک‌قطبی‌گرایی ایالات متحده یا "برتری آمریکایی" فصلی است زیر هفت قفل در تاریخ یک سیستم بین‌المللی که معماری کنونی آن به طور رادیکال و غیرقابل بازگشت به سمت یک پیکربندی قدرت چندقطبی تغییر یافته است، جذابیت آن روز به روز در حال افزایش است.